

آگہی معاوضہ و حمل شکر

- جه خیر لطف داشته اند
س- او گفته با گذنی مددنا بادواده
که پشانده و شاس سار ساز سوانح
آشایانه کرد و آنها را خود راه
س. اهلواز اورا ایکنی نکدند و
میکن هر راه رسید تکریت استو آنوقت
خواهی بوده
س. دینا چیکونه مرده است
ج- سپلی مرعش داشت که
سپالی، مددنا و قلب
س. به طبعی اورا عایمه کر
ج- قبل ازمن دیگی سوارستان
از من کسی نمود
س. با این چیز اطاعت نیاید
ج- این امر را خواهد طلب
سکر و خود را در خوش طب
س- خواهند گرفت که
ج- غرست خاطر نیست چهار
و چهارم و
های حضور عرب ایل تغذیه و رفته
بورود نظرم است که آن شد در کاشت
بودام با خسرو ولی امری امر موس
مرده بود لکه سرای شمشن رفت و رفته
چند هزاره شهربانی شدند
س- اعلاء از عزت موسی بدان کرد و بده
ج- گویا اخلاع بادم پس از مردم
و از آزادان ها از مادرورن شدم
س- شما که باز برس بودید و
شهریاری کاشرت خوش تراش نهادید
از مردم و آنها شنیدم
ج- هنر ششم خوار مرسک کرد
درست شیام شاید دیگی شهرسائی
گفته باشد
س. شاهجهار اقماری و اصر کشیده
ج- این امر که اولیکی ساخته و فی
من وقت و دیده و مدنوند شدند
و احوالی
س- مسنونه گفت راجم برس

س - شنا موقمه فوت در مجدد
حاطر پویه
ح - سین گزارش داده رفته بود
روزی دوین اندام خالص خلیل بد شد
اوین رونه و دو گماره بود پیدا
و یکی از مردان پنهانی آنها و
س - بعد از فوت طیب اورادی
ح - استوار نامه موذن که از
اوران به

س - دریج الله یا پس از بر خلا
اطهارات شایستگی کرده راهی داشت
میخواست (مستنی از اطهارات موقوف
شد)

ح - گلکی اطهارات دور نکند
میکنم چکو - میکن است پاک باشد
سے پاشه و پلک پا ووی گردید پا
چکوکه خواهش بود !!

س - چدا شاهزاده داشتند که
را گرفت اس

ج - اطهارات بارگار نکند بکم
مسکن است رای اسلام خودش
باشد و ملکه ولایت شیعه الاسلام ملکیت
دینه شغل داشته اند

س - اطهارات های اجرای راهنمکویه
ج - آن هم در سبیل بارگار نیوی د

چ - چون دردی میتو در ملا
برند من گفت کرد که مانل آن
بود و اورا هم و مادر سار کار آورد
س - چوک هم مانور دردی ران
سر کار آورد و بود
چ - همینها دردی هستند و در
گفت نو است نگم
س - اطمینات شم از این اتفاق نداشت
(آنست از اطمینات شم همان اتفاق نداشت)

ملایر است که این رحیم کردند
س - شما سکنی رامع باشید و بروت
دوستان گهچه خداش مرا خوش بوده و بدم
صلوچی خواه که ملا در فرم ماند
ملایر تکنگر این کس هستند و قدر تپران
زده است مو می داشت که در کار گیری
شهر بانی و وجود دارد خلاصه بول مفلا
بس داشتند
س - بروت موده ایم کم دادند

ج - و تا نهایی کمک است
ج - چشم برای شرق
س - سرمه هنگ و فارگه است
ج - چه میدان را پردازد و آنکه
زد - مودش گشته مداره
س - منح در راه را بخواهد
ج - برای سخوار های شخصی
پارسی اینها
س - اول شن خلخ پیش شابد

ج- نکل کنکل میکم	ساده
س- چشمانه باشنا داشته ام	ساده
این هزار گاهه ام	ساده
ج- ساله و زیر است پانزده بیست	ساده
است مه اینها از اینهاست که راهنمایی ردمام جنس گردیده معلوم است نهیش	ساده
دارم	ساده
س- اطمینان محمد شدایران د	ساده
برای شفایت میکنم	ساده
ج- همس است اینها را اتفاق	ساده
ملایر ای اکجا یک پدر گذاشت	ساده
(منش از اینها از محمد شدایران)	ساده
فرات شد	ساده
ج- اینهمی نهار پیکنکه هر دویکه بکرد	ساده
است تکلیف میکم دروغ گهه است	ساده
سامعه دارم هر چیز را میشن	ساده

ج - ازین نقطه بی اطلاع
 س - شنا در دوستی غرفت غیرور
 متن بودید چه متنی داشته‌اید
 ج - علی آشنا و مارو
 مرابت فروز و دم
 س - شنا با پا به اختن دیگری
 بودید
 ج - اول س نه بودید بدای
 اندیش دیگری را فرازاند
 س - بیرون آمده از هوس کردند
 ج - من نیمه آن آینکه آوارا
 هوش کردند میدانم
 س - وقتی نهران آدمید گشته

بری چه امکان را می پرسید
ح- خود را آدم نهاده آورده
که اگر از خود کنی کرد بود
س- مذکور است آنها نوید
چیزکو املاکی از هلت نداری
ح- خودشان بر حسب دستور
نامه احوال میدارند
س- در موقع موتو هر بروزه کثر
صور داشتند
ح- دکتر محمد حاضر بود
س- دکتر گفته حاضر بود
است
ح- اصلیتی که سوده داش
بر این موضوع است
س- باید اس بحدای و درجه
سابقه داشته باشد
ح- غیر این دفعه در متن
پیشگیر را دیدم
س- بیانات خودش را بخواهد
که این فکر اش باشد

ج - هر چیزی که برای این اوتست قسمی
از مهارتان نهایت فراتر شد
س - آنها از مهارتان خودشان است
پژوهشگر: لذا
ج - از موضوع در چنانکه گفته
او اعلی‌ترین تراویح آنها اطمینان خود و
نمودن از خود و دلوی سلامت‌سازیم
که آنها کشته بیان معرفه است
گیگر: که کلی مکرر نمی‌گردید او را
که ناشد
ج - معلومیست که از مهارت
آنها بودند که هیچ فرشته‌ی دیگر
غذایی را نمی‌خوردند که نه چیزی را که
آن است
س - اینها از این تراویح را که
کلیم پرور گفت در قرآن و انجیل مذکور شده‌اند
و شارح داده شده‌اند می‌گذرانند
ساخته و از آنها است

گزارشی بود که بنده با خود از
دندان بروم
س- اطهارات غیری بور دا
چه میکنید
ج- بوجه از طرفی همین هست
و روزانه در ورزش آنها میاده ام
اطهارات آنها را تکذیب میکنم
س- شناسن آما و پنهان گویی
دندانی میخواهم اید

ج - واس آنها بوده و مادر
دلاخه ام
س - سندھ شاپگر، هست المولى
ر - گلک اند
ج - اعلانی مرآت پرورد ادعای
حواله الله تبارز
س - به قلی بور جرا + حام
ردیه بود
ج - عوک هست المولی بر این دعوه
س - چاره و ا
ج - احمد
دسته بایه ملاری اوایل است
شون از جهادی - بوس
ادبیه شناخته در شب ۱۰ آذر
۱۳۲۶ بدروت جلسه نامه و مصوبات
دفاتر در قل مدرس داشت این ایده و در
شب ۲۷ دی ۱۳۲۷ در بیرونی میراث
در قل دیده برداشت محدود بود
مردان و خوش و بورت داشت ایده
اعرف داری
ج - خبر
س - در گفت مومن مدرس از کافش رو دید
ج - شاه
س - کجا بوده

چهار مین جلسه محاکمه
مختراري
سالانگين
ساده و ريم كم جلسه از تو شکل
نهاد و دادستان وو كلائي مدعوه هر
دو جاي خوش قرار گرفته
الات از متهمين ادامه يافت
ساخته و ريم كم جلسه از تو شکل
نهاد و دادستان وو كلائي مدعوه هر
دو جاي خوش قرار گرفته
الات از متهمين ادامه يافت
ساخته و ريم كم جلسه از تو شکل
نهاد و دادستان وو كلائي مدعوه هر
دو جاي خوش قرار گرفته
الات از متهمين ادامه يافت
ساخته و ريم كم جلسه از تو شکل
نهاد و دادستان وو كلائي مدعوه هر
دو جاي خوش قرار گرفته
الات از متهمين ادامه يافت
ساخته و ريم كم جلسه از تو شکل
نهاد و دادستان وو كلائي مدعوه هر
دو جاي خوش قرار گرفته
الات از متهمين ادامه يافت

س - واحد یا همان چهارمی کوئی
ج - دروغ میگردید - هر آین
نهضه و فرجی افغان کردند و موسی و
تلخی نووند دروغ بکشیدند که
س - فرجی داشت که راه شاگفت که
هزارل را هنگ امن نهاد - و دست
روی تنه خواب و الو را نهاد کرد (چه
می گویند)
ج - دروغ گفتند من نمکردم
س - پیات خودش را برایش
بهاورد - افسوس از اطمینان هنهم
خواهد شد
س - چهارمی گویند افراد
مثلشان می گردند
ج - من از این است اهل اسلام
نمایم آنها را شنیدند و آنها امتن
ضروری
و لیلی گردید
س - این امساله مشترک

ش همیشه در مکانهای خوش
ش را که داشت به این اتفاق ازیره
ج - شناسنامه هر کس
س - شفای اعیان و امداد خود ایشان را
که هرگز توانست سوچنندی غیری داشته
و این بخاطر این اتفاق
ج - اندیشه ایشان است درست
کوئل هرچه بوده نه معین است
و ای مادی سادگی است
س - هرچهار حسن رفته میگردد
آنها همچنانی خواستند
ج - برای این افتخارهای خوبی
این ایشان را پایه ای از ایشان نمود که این
هرگز نیست
ج - هم اگر آنی و خانه ای و خانه
گذشت آن بچشمگیر است
ج - سادگی است
س - چطور سادگی است آیا

شادی موده دنی و انسانی کرده اند
چ - این را تی آست کنم و خطا
بوز و خطا و مخفی و مخفی و مخفی
دای - از این بوس مخفی و مخفی
کلی - کلی این
سیاست دولت و قدری همان قلسطنطین
س - پرورد و دلی است که بازی
گردیده ای
چ - شرطی خ مسد و موافق که
مانند این سکر که گزند از این طبقی کردند
مخفی و مخفی و مخفی - هم و هم مجرم
مردمندی هم و زیر اخلاق و دو اخلاق
دور عذر کردند و درست جزو از پاپیون
کلی - این دیگر نیز نداشت که بودند
آیی همراه آنها و می و آنها و می
و می و از طرف سکه شدند از اینها
آمدند و بجهات اینها و اینها برای اینها
دو و نکره بود و مولت و مرس
دانشنه طار و گزی آشمن جزوی را
بلوکنم - و همچنان هر این موده ای که
متوجه برسی تصریح بوده برسی شد
حست و وزیر بحث شرایع و میره نام
که از ازیز تکری - پرادر بخوبی می می
شکنجه یکدیگر آمدی ساخت زان
هر چو طلبی بور ای ایندر کرد - و می
از من برسی همچو خود است که
دارم بسیار - که معمولی و داشتندی
کمک بیش گفت به آج چه میگویند
سوسی - یکدیگر و میگردند که این هم
بود که مخفی و مخفی میگویند
گزند این بور مرکش ساخت بولت
اصغر است که آنها بزر و بزر
نفعور - این هم خوان و نسیم گرد که ای
مالک که یک دسته همچشمی داشت
چ - هدایی شد از این مقصود شان

